آرمان ملی
armanmeli.ir
سال هشتم
شماره ۲۳۱۵
یکشنبه
۱۴۰۴•۱۱•۱۲
۱۲ شعبان ۱۴۴۷ / ۰۱ فوریه ۲۰۲۶

ذره بین

«آرمان ملی» تلاش‌ها برای میانجی‌گری بین ایران و آمریکا را بررسی می‌کند

اقدامات منطقه‌ای برای صلح

پاک‌آیین در گفت‌وگو با «آرمان ملی»: منطقه باید به سمت پیمان امنیتی حرکت کند

آرمان ملی: موضع ترکیه و برخی کشورهای منطقه در ارتباط با نگاه تهاجمی ایران و آمریکا نشان‌دهنده آن است که کشورهای منطقه به‌شدت نگران وضعیت امنیتی منطقه هستند. چراکه از یک سو یک قدرت جهانی در غرب آسیا آماده ورود به شرایط پر تنش با یک قدرت بلامنازعه منطقه است. از سوی دیگر ابعاد این جنگ احتمالی تنها به ناوهای آمریکا و خاک ایران خلاصه نخواهد شد و حتی ممکن است شرایط بسیار بدی تحت‌تأثیر این جنگ برای تمامی کشورهای اطراف ایران به وجود آید خصوصا اینکه تهران اعلام کرده در صورتی‌که از هر یک از پایگاه‌های آمریکا در منطقه عملیاتی علیه ایران صورت دهند، نیروهای نظامی ایران بالافاصله به آن پایگاه پاسخ قاطع خواهد دارد. البته در کنار کشورهایی که در منطقه خواستار عدم تنش بین ایران و آمریکا هستند، برخی کشورها خصوص در خلیج‌فارس صراحتا از درگیری بین تهران و واشنگتن حمایت می‌کنند. «آرمان ملی» برای بررسی مواضع کشورهای پیرامونی ایران خصوصا ترکیه با محسن پاک‌آیین، دیپلمات و سفیر سابق ایران در جمهوری آذربایجان به گفت‌وگو پرداخته است که در ادامه می‌خوانید.

ضربه به اقتصاد

محسن پاک‌آیین در ارتباط با تحرکات آمریکا علیه ایران در منطقه به «آرمان ملی» گفت: هدف آمریکایی‌ها از لشکرکشی به منطقه ایجاد نگرانی در میان مردم ایران و نوعی بی‌ثباتی در وضعیت اقتصادی به خصوص در ارتباط با نوسانات ارزی به منظور ایران گرانی و در نهایت اعتراض مردم ایران است. آن‌ها با این اقدامات به دنبال ایجاد چالش برای دولت به منظور عدم توانایی در تأمین ارز هستند. این اقدامات باعث نگرانی کشورهای منطقه شده است چرا که اگر این درگیری‌ها به جنگ بینجامد، در وهله اول کشورهای منطقه هستند که متزلزل می‌شوند.

ترک‌ها و کاهش تنش

این کارشناسان روابط بین‌الملل در ارتباط با ضرر جنگ برای کشورهای منطقه گفت: تنش در منطقه باعث می‌شود کشورهای منطقه که صادرکننده نفت هستند و چه کشورهای ترکیه که واردکننده انرژی هستند دغدغه و نگرانی دارند و هراس از تنش باعث شده که همه کشورهای منطقه در ارتباط با ایران و آمریکا به تکاپو افتاده و فعالیت‌هایی انجام دهند که به تنش در منطقه پایان دهند. ترکیه در این میان جایگاه مهمی دارد چون هم همسایه ایران است و هم اینکه عضو ناتوست و روابطه خوبی با امریکا دارد و اخیرا هم به علت اتفاق‌هایی که در سوریه رخ داده روابط ایران و ترکیه به یکدیگر نزدیک شده و اشتراکات دو کشور افزایش یافته است و به طور طبیعی با توجه به اراده ایران مبنی بر اینکه از هر یک از پایگاه‌های آمریکا در منطقه علیه ایران اقدامی رخ دهد ایران تلافی می‌کند این کشورها از جمله ترکیه که پایگاه اینجرلیک آمریکا در آن کشور قرار دارد، ایجاد شده اما اینکه چه میزان این تنش‌ها به موفقیت منجر شود؛ حائز اهمیت است.

تلاش جمعی در منطقه

پاک‌آیین ادامه داد: در ارتباط با اینکه تلاش‌ها برای پایان تنش بین ایران و آمریکا از سوی کشورهای منطقه تا چه اندازه به موفقیت بینجامد، بسته به تلاش جمعی کشورهای همسایه ایران دارد و این تلاش جمعی می‌تواند باعث کاهش تنش بین ایران و آمریکا شود. این تلاش باید اولا متحدانه باشد و کشورهای اطراف ایران که نگران تنش بین ایران و آمریکا هستند باید تلاش کنند که آمریکا را از جنگ با ایران پرهیز دهند چراکه این جنگ قطعا به پاسخ ایران منجر خواهد شد و منطقه نیز دچار ناامنی می‌شود و این ناامنی به ضرر کشورهای منطقه است که نگران تنش در منطقه هستند. اکنون رویکرد اکثر کشورهای منطقه این است که مانعی در پیشرفت و توسعه آن‌ها خصوصا در بخش صعت افزایش یابد و این امر نیاز مبرم به امنیت در منطقه دارد، ترکیه هم می‌تواند به صورت مجرد به رایزنی با امریکا کمک کند و هم اینکه کشورهای منطقه را با خود همراه کند تا اینکه دسته جمعی از امنیت منطقه دفاع کنند.

در نهایت

در نهایت اینکه ترکیه و بخشی زیادی از کشورهای منطقه در اندیشه آن هستند که جنگ و درگیری در منطقه رخ ندهد از سوی دیگر آن‌ها از سال‌های گذشته به این سو و خصوصا بعد از اینکه تحولاتی در عراق و سوریه رخ داد که امنیت منطقه را با چالش روبه‌رو کرد همواره بر بهبود امنیت منطقه تأکید دارند اما برخی از این کشورها اعتقاد دارند که باید سلاح بخرند تا امن شوند این در حالی است که جمهوری اسلامی که به گفته پاک‌آیین ایران سال‌هاست بر امنیت جمعی در منطقه غرب آسیا و امنیتی بومی تأکید دارد و اکنون که تمامی کشورهای منطقه به دنبال کاهش تنش بین ایران و آمریکا هستند شاید ضرورت نگاه مشترک کشورهای منطقه به مقوله امنیت دیده می‌شود.

«آرمان ملی» مواجهه حاکمیت و جامعه را بررسی می‌کند

جامعه در انتظار گام عملی مسئولان

احمد شیرزاد در گفت‌وگو با «آرمان ملی»: مردم باید احساس کنند موثرند و صدای شان شنیده می‌شود

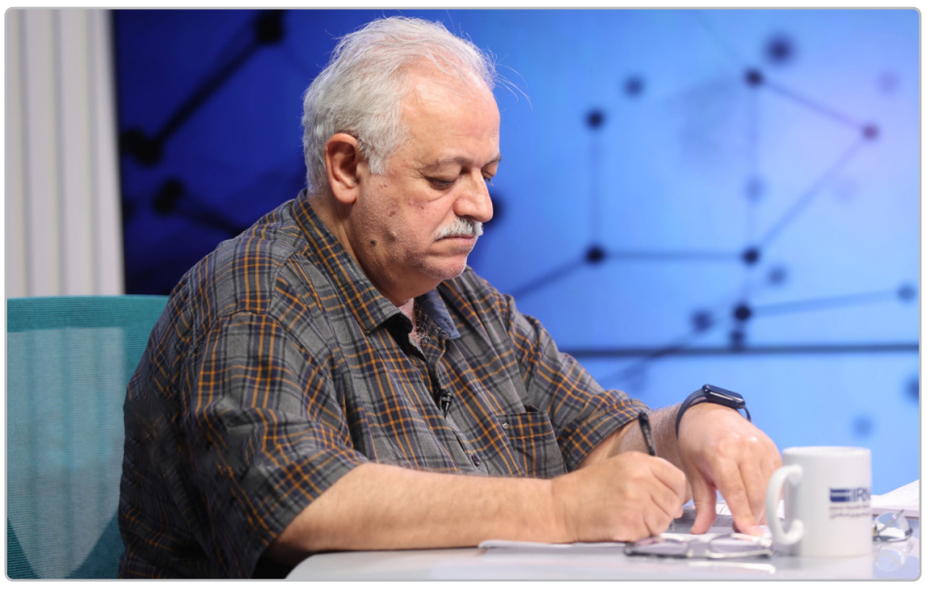

آرمان ملی- حمید شجاعی: جامعه ایرانی طی سال‌ها و دهه‌های اخیر مطالباتی داشته که همواره در هزارتوی وعده‌ها و شعارها گمشده و تحقق پیدا نکرده است. مشکلاتی که همه دولت‌ها شعار حل و فصل آنها را داده‌اند و اما در مقام عمل نتوانسته‌اند چندان کاری از پیش ببرند. هر چند که در تحلیل این مسائل نمی‌توان نقش تحریم و فشارهای بیرونی را نیز نادیده گرفت. اما به صورت کلی دولت‌ها برنامه‌های خود را پیش برده‌اند و فقط به مردم وعده بهبود شرایط را داده‌اند. اما در عمل شاهد بودیم که شرایط نه تنها تغییری نکرده بلکه نسبت به گذشته سخت‌تر نیز شده است. البته این مساله در صرفا در این دولت بلکه در سایر دولت‌ها نیز ساری و جاری بوده و به عبارتی در دولت‌های پیش از این نیز روال بر همین منوال پیش رفته و کمتر دولتی داشتیم که در آن با کاهش تورم، قیمت ارز و طلا، کالاهای اساس و افزایش ارزش پول ملی روبه‌رو باشیم. شاید بتوان تنها دولت اصلاحات سید محمد خاتمی را تا حدی مثال زد که در آن جامعه میزانی از رضایتمندی اقتصادی را تجربه کرد. اما در دولت‌های پیش و پس از آن شاهد تورم بالا و افزایش لجام گسیخته قیمت ارز، طلا و کالاهای مختلف بوده‌ایم که شرایط زندگی را برای جامعه سخت از قبل کرده است. لذا امروز اگر می‌بینیم که جامعه به‌واسطه شرایط بغرنج اقتصادی به سمت و سوی اعتراض حرکت می‌کند درصدد است به وضوح نارضایتی خود را از شرایط موجود نشان دهد. اما صحبت اینجا است که چه زمانی به نارضایتی مردم پاسخ مستدل و متقن داد شده و اقنای عمومی صورت گرفته است که مردم به سمت اعتراض نروند؟ اینکه امروز قمیت ارز یا طلا به حدی بالا رفته که بسیاری توان خرید ندارند یا قیمت کالاها به اندازه‌ای است که مردم در خرج یومیه خود مانده‌اند اتفاقاتی است که باید ابتدا به درستی مدیریت شده و سپس کاملا شفاف با جامعه صحبت شود که چرا امروز در چنین شرایطی قرار داریم و مقصران و مسببان آن چه کسانی هستند و مهم‌تر از آن برای برون رفت از این شرایط در کوتاه‌مدت و میان‌مدت چه برنامه‌های عملیاتی و اجرایی وجود دارد. اینکه بگوییم اعتراض مردم را باید بشنویم، باید به مردم بازگردیم یا باید حقوق مردم را به رسمیت بشناسیم امری ثابت و غیر قابل تغییر است و تاکنون باید صدای مردم شنیده می‌شد که شده است. نکته اینجا است که آیا قرار است در همین مرحله باقی بمانیم؟ همه دولت‌ها فارغ از جریان شناسی سیاسی معتقد به حق مردم بوده‌اند و مردم را صاحبان واقعی کشور می‌دانستند؛ اما قدم‌های عملی برداشته شده در حد و اندازه‌ای نبوده که مردم انتظار داشته‌اند. به همین جهت نیز هر صحبتی از جانب مسئولان صورت می‌گیرد برای مردم جنبه گفتاردرمانی پیدا می‌کند و چندان امیدی به تحقق مطالبات خود ندارند.

گام عملی مسئولان

«مردم را باور کنیم»؛ «وظیفه دولت حل مشکلات معیشتی مردم است»؛ «خود را متعهد می‌دانیم شبانه‌روز در جهت حل مشکلات کوشا باشیم»؛ «اعتراض‌ها باید شنیده شود»؛ «دولت اعتراض مردم را می‌شنوند و به رسمیت می‌شناسد». اینها بخشی از صحبت‌هایی است که مسئولان مختلف در قبال مردم و شنیدن صدای اعتراض مردم، حقوق مردم و لزوم رفع مطالبات و مشکل مردم گفته‌اند. جامعه نیز به کرات از این صحبت‌ها شنیده و گوش مردم از اینکه چه جایگاه و حق و حقوقی دارند پر است. اما امروز پرسش اصلی اینجا است که گام بعدی دولت یا مجموعه حاکمیت در مواجهه با مردم چیست؟ اینکه صرفا بگوییم اعتراض مردم را شنیدیم دقیقا چه دردی از مشکلات مردم دوا می‌کند؟ باید مشخص شود که دقیقا چه اقدامی در جهت از قوه به فعل رساندن شنیدن اعتراض مردم صورت گرفته است. مثلا در حوزه قضایی شاهد بودیم که رئیس قوه قضائیه بارها از ریشه‌کن‌کردن فساد و مقابله با مفسدان اقتصادی صحبت کرده است. حال اما جامعه در برخورد با مفاسد اقتصادی، اخلالگران نظام اقتصادی کشور یا حتی مفسدانی که پیش از این سرمایه‌های کشور را با خود به برده‌اند انتقاداتی دارد و انتظار دارد که این مسائل بسیار جدی‌تر پیگیری شود. یا در حوزه مشکلات اقتصادی رئیس جمهور و سایر دولتمردان صحبت از تلاش‌های شبانه‌روزی و برنامه‌های مدون می‌کنند؛ اما جامعه در عمل چیزی که بدان دلخوش باشد را نمی‌بیند. در حالی‌که شنیدن صدای اعتراض مردم یعنی اینکه ببینید مردم چه خواسته‌ها و مطالباتی دارند و بر پایه آن خواسته‌ها به حل و فصل مسائل و مشکلات پرداخته شود. اینکه آقای رئیس جمهور می‌گوید: «باید دل همه ما با این مردم باشد و رفتارمان را در برابر مردم تغییر دهیم» باید جنبه اجرایی و عملی به خود بگیرد و مسئولان به واقع و نه در ظاهر خود را نوکر و خادم ملت بدانند. زمانی این صحبت‌ها در نگاه مردم واقعیت پیدا می‌کند که جنبه عملی پیدا کند و از تعارفات مرسوم خارج گردد.

عوامل رضایت جامعه

یک فعال سیاسی اصلاح‌طلب اظهار داشت: برخی از اقداماتی که می‌تواند به جامعه احساس رضایتمندی بدهد ممکن است خیلی طولانی باشد. مثلا می‌دانیم که بحث‌های اقتصادی خیلی دیر بازده است و زمانی هم که بازدهی دارد دیده نمی‌شود و خیلی عادی به عنوان رویدادی که همیشه بوده ممکن است در ذهن جامعه نقش ببندد و احساس خاصی به جامعه ندهد. احمد شیرزاد به «آرمان ملی» گفت: به عنوان مثال ما سال گذشته با قطعی‌های شدید برق روبه‌رو بودیم و فرض کنید این مساله حل شود و ما سال ۱۴۰۵ ان‌شاءا... قطع برق نداشته باشیم در این صورت احساس خاصی در جامعه نیست. در حالی که می‌دانیم برای همین اتفاق بایستی چقدر سرمایه‌گذاری کرد و چقدر باید زحمت کشید و چه تلاش‌هایی باید انجام شود. بنابراین نمی‌گویم نباید در عرصه‌های اقتصادی کار کرد بلکه اقتصاد خیلی مهم است و حیات جامعه به آن بستگی دارد اما رضایت جامعه تک عاملی نیست و باید در سایر حوزه‌ها نیز شاهد تغییر رفتار باشیم. نماینده اسبق مجلس بیان کرد: از طرفی صداوسیما نیز باید رفتار خود را تغییر دهد و واقعا مخاطبش را عموم جامعه فرض کند. به نحوی که مردم حس کنند صدایشان از صداوسیما شنیده می‌شود و تاثیرشان دیده می‌شود که این کار بسیار لازمی است و به افراد خبره نیاز دارد. من فکر می‌کنم مهم‌ترین تغییر آنجا است که بایستی اتفاق بیفتد.

«آرمان ملی» در گفت‌وگویی اظهارات حسن روحانی را بررسی می‌کند

اهمیت گفت‌وگو قبل از اعتراض

زهرا نژادبهرام: شنیدن انتقاد نقطه آغاز همدلی است

آرمان ملی- گروه سیاسی: در جوامعی که مسیر توسعه با چالش‌های پیچیده اجتماعی، اقتصادی و مدیریتی همراه است، کیفیت ارتباط میان مردم و ساختار قدرت نقشی تعیین‌کننده در این مسیر دارد. این ارتباط زمانی معنادار و سازنده خواهد بود که بر پایه گفت‌وگوی دوطرفه و پذیرش صداهای متنوع اجتماعی بنا شود که اگر این روند را مشاهده نکنیم در ادامه با کاهش سطح اعتماد عمومی روبه‌رو می‌شود. نتیجه چنین وضعیتی، تضعیف اعتماد عمومی و انباشت نارضایتی‌های حل نشده است. مطالبات و اعتراضات شهروندان در سال‌های اخیر کاملا مشخص است. در این مورد لایه‌های مختلف جامعه، نخبگان دانشگاهی، فعالان مدنی و کنشگران رسانه‌ای هر یک از زاویه‌ای متفاوت به مسائل می‌نگرند و در بسیاری از موارد، راه‌حل‌هایی عملی و قابل اجرا ارائه می‌دهند. نادیده‌گرفتن این ظرفیت، به معنای از دست دادن فرصتی ارزشمند گفت‌وگوها است. توجه داشته باشید که در برابر آنهایی که اهمیت روابط با جامعه را کم‌رنگ می‌کنند باید گفت شنیدن صداهای انتقاد جامعه، الزاما به معنای پذیرش همه دیدگاه‌ها نیست، بلکه نشانه‌ای از بلوغ حکمرانی و اعتماد به جامعه است. در این مورد رئیس جمهوری پیشین ایران در اظهاراتی به اهمیت گفت‌وگو با جامعه قبل از اینکه اعتراضات به کف خیابان برسد اشاره کرد. باتوجه به اهمیت این چالش با یکی از نماینده‌های ادوار شورای شهر تهران گفت‌وگویی انجام داده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

شنیدن اعتراض‌ها

زهرا نژادبهرام، تحلیل‌گر مسائل اجتماعی و سیاسی در مورد اهمیت شنیدن صدای شهروندان که مطالبات خود را در روند اعتراضات مطرح می‌کنند به خبرنگار «آرمان ملی» می‌گوید: «یکی از چالش‌های بنیادین بسیاری از جوامع امروز عدم شنیدن به‌موقع مطالبه‌گری‌های جامعه است. در حالی‌که طی سال‌های اخیر صداهای متعددی از سوی کارشناسان، متخصصان، نخبگان و همچنین شهروندان عادی درباره مسائل و مشکلات کشور مطرح شده، به نظر می‌رسد این صداها کمتر به مرحله پاسخ‌دادن موثر در سطوح تصمیم‌گیری می‌رسند به خصوص در حوزه‌های اقتصادی و معیشتی. اکنون نیاز به مطرح‌کردن صورت مساله نیست زیرا ابعاد مختلف مسائل اقتصادی، اجتماعی و مدیریتی برای عموم مردم و حتی مسئولان روشن است. آنچه بیش از هر چیز احساس می‌شود، نیاز جدی به دریافت و به‌کارگیری راه‌حل‌هاست که در ادوار اخیر از سوی تحلیلگران مطرح شده است. با وجود ارائه مداوم پیشنهادها و راهکارهای کارشناسی، مسیر اداره کشور اغلب مستقل از این دیدگاه‌ها پیش می‌رود که البته در دستور کار دولت چهاردهم هم قرار گرفته است ولی هنوز این میسر همواره نشده است. شنیدن انتقادها، صرفا یک کنش نمادین نباید باشد، بلکه می‌تواند نقطه آغاز همدلی، کاهش تنش‌ها و گشایش در مسیر حل مسائل باشد. بسیاری از صاحب‌نظران بارها بر راهکارهای مشترک و عملی تاکید کرده‌اند، اما بی‌توجهی به این ظرفیت‌ها، امید اجتماعی را فرسوده می‌کند». عضو ادوار شورای شهر پایتخت در همین مورد و با اشاره به اهمیت گفت‌وگو با جامع قبل از اعتراض ادامه می‌دهد: «در جامعه‌ای مردم که امید را عامل تداوم زندگی و بهبود شرایط می‌دانند، انتظار دارند صداهای بلند و گاه آرام آنها نه‌تنها شنیده شود، بلکه در فرآیند تغییر نقش داشته باشد. استفاده از روش‌هایی مانند گفت‌وگوی جمعی و تبادل افکار، تنها برای تولید ایده نیست بلکه این فرآیند می‌تواند به ترمیم شکاف میان جامعه و حاکمیت و کاهش آسیب‌های اجتماعی کمک کند. در این موارد تحرکاتی انجام می‌گیرد ولی باید به این مورد اشاره کنیم که این تلاش‌ها کمتر در تصمیم‌سازی‌های کلان بازتاب یافته‌اند. تکیه صرف بر نظرسنجی‌ها نیز نمی‌تواند جایگزین شنیدن عمیق و چندلایه جامعه باشد؛ زیرا بسیاری از راهکارهای مردمی در این قالب‌ها دیده نمی‌شوند. این عدم گفت‌وگو با جامعه در دهه‌های گذشته نه‌تنها به بهبود وضعیت منجر نشده، بلکه فاصله میان مردم و دولت را افزایش داده است. راه برون‌رفت از این وضعیت، چیزی جز شنیدن مطالبه‌گری‌های جامعه نیست؛ شنیدنی که از مسیر انتخابات، رسانه‌ها، نشست‌های تخصصی و... عبور می‌کند و می‌تواند اعتماد عمومی را احیاء کند و همچنین روابط بین دولت و ملت را هم کاهش دهد».

نیازمند اصلاحات بزرگ

حسن روحانی، رئیس دولت‌های یازدهم و دوازدهم در دیدار جمعی از وزیران و معاونانش با اشاره به مطالبات انباشته شده مردم در دهه‌های گذشته و لزوم شنیدن این مطالبات بیان داشت: «جامعه ایران در دهه‌های ۷۰، ۸۰ و ۹۰ با مشکلات و نگرانی‌های متعددی روبه‌رو بوده و اعتراض‌های اجتماعی پدیده‌ای مقطعی نیست، بلکه نتیجه انباشت مزمن مطالبات پاسخ‌داده نشده است. برخورد با تروریسم و سوءاستفاده‌کنندگان از اعتراض‌های بحق مردم ضروری است، اما اصل اعتراض مردم ریشه در نگرانی‌ها و مطالبات واقعی دارد که باید پیش از رسیدن به خیابان شنیده و حل شود. وظیفه حاکمیت آن است که از نخستین نشانه‌های نگرانی اجتماعی، برای رفع آن اقدام کند. گوش شنوا برای مطالبات مردم، لازمه حکمرانی صحیح است و جلوگیری از ایجاد شکاف اجتماعی اهمیتی اساسی دارد. بخش عمده افرادی که در اعتراض‌ها حضور دارند، در جمهوری اسلامی ایران متولد و بزرگ شده‌اند و اغلب آنها پیش از انقلاب را تجربه نکرده‌اند. پاسخ به مطالبات مردم نباید محدود به توجه به یک خواسته کوچک و نادیده‌گرفتن سایر درخواست‌ها باشد. حل مشکلات اجتماعی نیازمند اصلاحات بزرگ و تصمیم‌های اساسی است و تغییرات جزئی نمی‌تواند مانع تکرار بحران‌ها در کوتاه‌مدت شود. همه کسانی که در اعتراض‌ها حضور داشتند، فارغ از نوع بیان مطالبات، حامل پیامی بودند که باید شنیده شود، هرچند حساب اقدامات تخریبی و تروریستی از اعتراض مدنی جداست». روحانی با اشاره به تفاوت میان بهبود معیشت و رضایت عمومی ادامه داد: «اگرچه معیشت و امنیت مردم اهمیت بالایی دارد، اما رضایت عمومی مفهومی فراتر از این موارد است. قدرت واقعی کشور از رضایت و همراهی مردم نشأت می‌گیرد. پیام اصلی مردم در جنگ ۱۲ روزه این بود که مخالفت با مداخله خارجی در امور داخلی هستند. مردم ایران در این مقاطع نشان دادند که اعتراض داخلی را حق خود می‌دانند اما در برابر دخالت بیگانگان ایستادگی می‌کنند».

گزارش

روایت مقصود فراستخواه از ماهیت اعتراضات اخیر

در این سال‌ها هیچ کار اساسی برای رضایت مردم نکردیم

وقتی ناکامی از حدی می‌گذرد به نارضایتی و بی‌اعتمادی می‌رسد

یک جامعه‌شناس در خصوص اعتراضات اخیر و ماهیت آن اظهار داشت: این وضع و حال ناخوش اجتماعی است و مشکل اصلی پریشان حالی اجتماعی است که دست‌کم ۲ دوره تحول دارد: یک دوره نهفتگی و یک دوره آشکارگی. در دوره نهفتگی حداقل پنج مرحله را می‌توانیم تصور کنیم. اول احساس ناکامی است، مثلا ناکامی از کار، مثلا دانش‌آموخته‌ای بیکار یا دانش‌آموخته‌ای که نمی‌تواند اشتغال موثری پیدا کند، کسانی‌که یک مسکن خیلی معمولی نمی‌توانند با وجود کار و تلاش سال‌ها تهیه کنند، کسانی که نمی‌توانند آن طور که دلشان می‌خواهد در زندگی اجتماعی‌شان مشارکت کنند، رویت‌پذیر شوند، هنر دلخواه، یا سبک زندگی دلخواهشان را دنبال کنند. این احساس ناکامی، اولین مرحله دوره نهفتگی پریشان حالی اجتماعی است. ایرنا نوشت؛ مقصود فراستخواه گفت: بعد می‌رسیم به دوره نارضایتی، وقتی ناکامی از حدی می‌گذرد و می‌رسد به وضعیت نارضایتی از این ناکامی خودآگاهی پیدا می‌کند. مقایسه می‌کند و می‌رسد به احساس نارضایتی. بعد از احساس نارضایتی می‌رسد به وضعیت بی‌اعتمادی.

اگر به نهادهای اجتماعی، سیاستگذاران، نهادهای حمایتی، ساز و کارهای قانونی اعتماد داشته باشد، احساس می‌کند می‌تواند ناکامی و نارضایتیش را رفع و رجوع کند ولی وقتی نمی‌تواند، می‌شود نارضایتی و ناکامی و بعد بی‌اعتمادی. وی افزود: یعنی نمی‌تواند به آینده اعتماد کند. این وضعیت بی‌اعتمادی او را پرتاب می‌کند به مرحله‌ای که خیلی بدتر است: یک نوع ناامیدی بعد از آن مرحله بی‌اعتمادی شکل می‌گیرد. ناامیدی بخشی از آن دوره نهفتگی پریشان حالی است که من خودم به‌عنوان یک دانش‌آموز تقریبا دهه ۷۰، نیمه اول دهه ۸۰ در مطالعاتمان در کارهایی که با دانشجویان و همکارانمان داشتیم یا در مطالعات و تحقیقات دیگران می‌توانستم ببینم جامعه و بخش‌ها و گروه‌های اجتماعی قابل توجهی می‌رسند به ناامیدی. از ناکامی تا نارضایتی تا بی‌اعتمادی تا ناامیدی؛ بعد از ناامیدی، اندوه اجتماعی گریبان گروه‌های اجتماعی را می‌گیرد. گروه‌های اجتماعی روز به روز بیشتر می‌شوند و نوعی اندوه اجتماعی شکل می‌گیرد. این وضعیت بسیار پیچیده است. این استاد دانشگاه بیان کرد: صریح بگویم که اینجا مهمترین زمان اطلاع یابی حکمران است. اینجا مهم‌ترین زمان حساس یعنی کریتیکال تایم است که نظام حکمرانی از این‌ها مطلع باشد که به اینها می‌گویم شرح حال اجتماعی. مسئول، حکومت و آنهایی که حکمرانی و سیاستگذاری می‌کنند باید شرح حال اجتماعی داشته باشند. از کجا این شرح حال را بگیرند؟

پیمایش‌های دوره‌ای و ملی داریم. گرچه نهادهای پژوهشی و پژوهشگاه‌های مستقل نداریم، نوعا دولتی هستند و در مدیریت‌های دولتی محدودیت‌ها و خط قرمزها و انواع و اقسام ناکارآمدی وجود دارد ولی به هر حال آن چیزی که می‌تواند کارکند رسانه‌های مستقل است. پژوهشگاه‌هایی که بتوانند تحقیق کنند کارکنند و گزارش‌های اجتماعی خوبی در بیاورند که این پنج مرحله نهفتگی را بتوانند درآورند چون خیلی آشکار نیست و از چشم محققان دور است و باید با روش‌های دقیق‌تر تحقیق و بررسی‌های خیلی عالمانه‌تری صورت گیرد.

عدم استفاده از فرصت‌ها

فراستخواه اظهار کرد: من به‌عنوان یک مطالعه‌کننده اجتماعی ادعا می‌کنم که واقعا هیچ کاری نتوانستیم بکنیم، ما در این سال‌ها هیچ کار اساسی نکردیم، حتی فرصت‌های بزرگی به دست آمد و آخرین فرصتش هم همین دولتی است که به نام وفاق آمد. رئیس جمهور می‌خواست کاری بکند و قول‌هایی که داده بود، واقعا نمی‌گذاشتند کار بکند و خودش هم بعضی وقت‌ها نمی‌توانست یا نمی‌گذاشتند کار بکند و در نتیجه در این وضعیت شما دیدید که سخنگوی دولت به درستی گفت که ما به اعتراضات گوش می‌دهیم باید اینها شنیده بشود، ولی دیدید که نتوانستند این مسیر را بروند. دست آنها نبود. چرا؟ چون پراکندگی بسیار پیدا کرد، از بازار به خیابان کشیده شد و از شهرهای بزرگ به شهرهای کوچکتر و از خانه‌ها به پشت بام‌ها و از کسب و کارها به بیکاران. یعنی کسانی‌که کسب و کار داشتند، تازه ناراضی بودند که ما نمی‌توانیم بخریم و بفروشیم نمی‌توانیم با این وضعیت ارزی زندگی شغلی داشته باشیم حالا از اینها شروع شد و رسید به کسانی‌که اصلا کار نداشتند، چه برسد به اینکه مشکل کسب و کارشان را بخواهند.

وی در خصوص آسیب مردم به اموال عمومی در نتیجه خشم فزآینده بیان کرد: این مساله‌ای است که دیگر قابل کنترل نمی‌شود یعنی زمان مدیریتش سپری شده و تازه بازهم مدیریت نمی‌شود و درست تشخیص داده نمی‌شود، ریشه‌هایش فهمیده نمی‌شود و سعی می‌شود که یک نوع تاویل‌های شکلی صورت بگیرد. زمانی من می‌توانم با انگشتانم مشکلاتم را بنویسم. با سرمایه‌های نمادین، سرمایه‌های فرهنگی، مسائل را مطرح کنم. وقتی نمی‌توانم، به پرخاش می‌رسد، به وضعیتی می‌رسد که از سرمایه‌های نمادین با واسطه می‌رود به سرمایه‌های بی‌واسطه بدنی و پرخاش‌ها، و وضعیتی می‌شود که نهایتا خون بپا می‌شود! جامعه هم طبیعی است که موجی برای موج‌سواران می‌شود. چرا اموال تخریب می‌شود؟ چون کسانی هم هستند که می‌بینند موجی است و می‌خواهند به قدرت برسند؛ جریان‌های معطوف به قدرت هستند. اینجا دیگر حکمرانی نمی‌تواند مدیریت کند.